

نگاهی به پشت پرده اتفاقات اخیر در سیستان و بلوچستان

عناصر خارجی به دنبال ایجاد شکاف های قومی

امیرحسین شمالی
پژوهشگر

این روزهای کشور روزهای خاصی است و اگرچه اعتراض حق قانونی و شهروندی همه مردم ایران است، اما عده‌ای نیز با گل آلود کردن آب، می‌خواهند ماهی خود را از آن صید کنند. طبیعتاً در چنین شرایط و خیمه‌ی نوع موضع‌گیری و رویکرد بزرگان قوم می‌تواند در صلاح و فساد این حال اثرگذار باشد. بعد از حدود دو ماه که از ماجرای مرحومه مهسا امینی می‌گذرد، نیروهای امنیتی و انتظامی تلاش دارند آرامش حداکثری را برای فراهم شدن زمینه صحیح مطالبه‌گری فراهم کنند اما گویی هنوز بری عده‌ای نان در آشوب است و علی‌رغم تأکید بسیاری از سران نظام مبنی بر پیگیری مطالبات در مجاری قانونی و اعتراضات مسالمت‌آمیز، این افراد با تحریک احساسات در عمل کاری جز آتش افروزی نمی‌کنند. جنجال‌سازی رسانه‌ای پیرامون سیستان و بلوچستان و مسائل زاهدان، موضوعی است که در این روزها مورد توجه رسانه‌های بیگانه قرار گرفته است.

این روزها تصاویر و فیلم‌هایی از سیستان و بلوچستان در حال دست به دست شدن است که عده‌ای از مردم با حالتی اعتراض‌گونه، روانه خیابان‌ها می‌شوند. حسن خوشخواهی بی‌تردید یک حس قابل درک است اما زمانی که به افراط و هنجارشکنی می‌انجامد لازم است تا از سوی بزرگان قوم، این افراط را تعدیل کرد نه اینکه با موج‌سواری بر ناراضیاتی مردم در عمل به دنبال دیگر مقاصد خود بود. اتفاقات زاهدان، شهادت مسئول اطلاعات و سپاه سلمان فارسی، حادثه دلخراش خاش و... همه و همه حوادثی بود که عیار اصالت برخی افراد را به خوبی به نمایش گذاشت. جای تعجب است که در میان بزرگان قوم بلوچ هستند افرادی که هم دل‌کنند از مقام رسمی و حکومتی خود را ندارند و هم می‌خواهند در عین حال با گرفتن ژست اپوزیسیون به خیال خود محبوبیت خود را افزایش دهند. اما باید دید که واقعیت سیستان و بلوچستان و خدمات متقابل این خطه راهبردی به اسلام عزیز و انقلاب اسلامی چیست و چرا برخی افراد علاقه دارند بر طبل تفرقه در این منطقه بکوبند.

پیوند مهم راهبردی سیستان و بلوچستان و اهل سنت این منطقه با جمهوری اسلامی

اگرچه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش بی‌وقفه سرویس‌های اطلاعاتی غربی بر ایجاد گسل‌های عمیق قومی و مذهبی استوار بود و یکی از مناطق مدنظر ایشان نیز منطقه راهبردی بلوچستان است (به دلیل سکونت قوم اصیل بلوچ و برادران اهل سنت)، اغتشاش‌های اخیر نیز در راستای همین سیاست ارزیابی می‌شود. اما سابقه مردم این منطقه (در مقاطع حساسی چون قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و مقابله با اشراق منطقه) در اعلام پیوند خود با نهضت اسلامی و نظام مستقر غیر قابل انکار است. هنوز هم تصاویر تبعید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - به عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای مبارز علیه رژیم پهلوی - به ایران‌شهر و استقبال و همراهی اهل سنت بلوچستان از ایشان به عنوان یکی از ماندگارترین قباها در ذهن مردم ایران باقی مانده است. پس از پیروزی انقلاب نیز همین رابطه ادامه پیدا کرد و حضور ۱۰ روزه رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۱ در این استان و دیدارهای صمیمی

استان در محدوده مرکز و شمال سیستان و بلوچستان و در حوزه اداره‌کل راه و شهرسازی جنوب استان ساخته شده است. سال ۵۷ بندر چابهار یک بندر کوچک ماهیگیری با ظرفیت تجاری بشدت محدود بود اما اکنون بندر چابهار با ظرفیت پهلوگیری بزرگ‌ترین کشتی‌های تجاری جهان در نرم «پانامکس و سوپریانامکس» در حال تبدیل شدن به یک هاب بین‌المللی با قابلیت پذیرش کشتی‌های پهن‌پیکر است.

لرزم حفاظت از امنیت سیستان و بلوچستان

اگر همچنان قلب بزرگان و منطقه و کشور برای تداوم راه توسعه سیستان و بلوچستان می‌تپد، باید دقت داشته باشند که بدون امنیت و در زیر سایه سنگین التهاب هیچ توسعه‌ای امکان تحقق پیدا نمی‌کند و اگر امنیت سیستان و بلوچستان دچار خدشه شود، باید نظاره‌گر همان صحنه‌هایی باشیم که هر روز کشوری نظیر پاکستان، شاهد آن است. این موضوع زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که در نظر داشته باشیم منازعات قومی نه پدیده‌ای طبیعی و ساده بلکه جزو پدیده‌های ساختگی و نتیجه انتخاب عامدانه افراد یا رهبران خصوصاً و جدای از این مسائل باید دقت داشت که عناصر خارجی در کشمکش‌های قومی ایفای نقش می‌کنند و نباید از آن غافل بود. تنوع قومیتی اگرچه می‌تواند خود عاملی برای رشد و فرهنگ جامعه باشد، اما در عین حال این رشد و بالندگی در بستر به رسمیت شناختن و هم‌دیگر و مینا قرار دادن گفت‌وگو میسر است نه با اردوکنشی خیابانی که اگر این اردوکنشی صورت گیرد شکاف‌های قومی چون دارای بستر جغرافیایی هستند در صورت تقویت از سوی عوامل داخلی و خارجی به بحران تبدیل خواهند شد. بنابراین اگر ذهن و فکر کسی برای سیستان و بلوچستان عزیز در رنج و اندوه است، باید در درجه اول به مختصات منطقه حاضر در آن دقت داشته باشد تا وضعیتی مشابه پاکستان و افغانستان برای ایران تکرار نشود و ثانیاً گسل‌های اجتماعی تحریک نشود.

چرا حوادث زاهدان دنباله‌دار شد؟

در بحبوحه حوادث و اغتشاشات مربوط به مرگ مرحومه مهسا امینی بود که ناگهان خبر شکل‌گیری اتفاقات زاهدان (بر اساس انتشار خبر تجاوز یک مأمور ناجا به دختر بلوچ) توجه همه رسانه‌ها را به خود جلب کرد. پس از آن نیز مقامات رسمی کشور با اطمینان دادن به مردم منطقه، قول دادند که ماجرا را تا انتها دنبال خواهند کرد و در اینجا بود که نیاز به همراهی رهبران و بزرگان قوم بیش از پیش احساس شد، اما ماجرا به شکل دیگری پیش رفت. عالی‌ترین مقامات امنیتی کشور در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای بررسی دقیق‌تر غائله ورود کردند (که جزئیات آن در ادامه خواهد آمد) اما مولوی عبدالحمید طی اظهاراتی در روز ۲۲ مهرماه از تریبون نمازجمعه گفت: «در جمعه اسبق ظلم بسیار بزرگی در اینجا شد...» وی در نمازجمعه بعدی نیز با ادامه همین روند گفت: «ما بسیار متعجبیم که مسئولان رده‌بالا چرا در این رابطه سکوت کرده‌اند... مسئولان و مدیران کشور و رهبری جمهوری اسلامی که تمامی نیروهای مسلح تحت فرمان ایشان هستند، همه مسئول هستند و هیچ‌کس نمی‌تواند از این مسئولیت‌شانه خالی کند.»

آیا مسئولین جمهوری اسلامی سکوت کردند؟

مولوی عبدالحمید در حالی تأکید داشت که مسئولان رده‌بالای نظام سکوت کرده‌اند که بلافاصله پس از حادثه غمبار زاهدان طی دستور مستقیم ریاست جمهوری اسلامی ایران (به عنوان رئیس شورای عالی امنیت

ملی کشور)، وزیر کشور در زاهدان حضور یافته و با پیگیری مسئولان عالی امنیتی و دفاعی کشور، هیأت‌های کارشناسی به منظور بررسی علل، زمینه‌ها، چگونگی و ابعاد این رخداد به زاهدان اعزام شدند و اقدامات جامعی را برای دسترسی به روایتی دقیق و واقعی از حوادث رخ داده در دستور کار قرار دادند. تیم‌های بررسی و هیأت‌های اعزام شده به زاهدان نیز ضمن گفت‌وگو با مسئولان امنیتی و فرماندهان انتظامی، بررسی فیلم‌های مدار بسته سطح شهر، جمع‌آوری شواهد میدانی، گفت‌وگو با شاهدان عینی و مجروحان حادثه و دیدار با سران طوایف و علمای دینی به بازسازی صحنه اغتشاش و نحوه اقدام نیروهای انتظامی پرداختند.

پس از این بررسی‌ها نیز شورای تأمین استان بیانیه‌ای رسمی صادر کرد و در بند پایانی آن اعلام داشت: «شورای تأمین به مردم اصیل و انقلابی شهر زاهدان خصوصاً خانواده شهدا و جانبازان تسلیت عرض می‌نماید و جهت تحقق دستور ریاست محترم جمهور برای اجرای عدالت ضمن پذیرش قصور برخی از مأموران و عزل رئیس وقت کلانتری ۱۶ و فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان و همچنین جبران خسارات وارده به جانبازانکتاب بی‌گناه و خانواده‌های آنان، اعلام می‌دارد که پرونده حوادث تلخ زاهدان اعم از کلانتری، اغتشاشگران و مهاجمان به کلانتری از طرفی مسئولین ذی‌ربط انتظامی جهت رسیدگی به تخلفات و جرایم تشکیل و به همراه مستندات کامل برای رسیدگی همه‌جانبه به مرجع قضایی ارسال شده تا به صورت دقیق و بر اساس ضوابط قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد. لازم به ذکر است طی بررسی‌های تکمیلی و مشخص شدن مواردی دیگر از قصور یا تقصیر احتمالی پرسنل و فرماندهان انتظامی جهت رسیدگی و اقدام به مراجع ذی‌ربط ارسال خواهد شد.»

با وجود چنین اقدامات بموقع و قاطعی از سوی مقامات عالی‌رتبه کشور (در سطوح مختلف سیاسی و امنیتی)، متأسفانه روند سخنان و موضع‌گیری‌های افرادی که دارای تریبون رسمی هستند، تندی بیشتری به خود گرفت و شاهد حوادث تلخ دیگری (مانند

حوادث خاش) بودیم.

سخنی پابزرگان قوم

آنچه گفته شد برای آن بود که بزرگان قوم بلوچ (که اکثریت آنها در سال‌های متناهی و حوادث متعدد) وفاداری و ارادت خود را به میهن و نظام اسلامی نشان داده‌اند، متوجه نقش مهم خود در شرایط فعلی بوده و چند نکته مهم را مدنظر داشته باشند: اول آنکه، سیستان و بلوچستان عزیز با همه تنوع قومی و مذهبی موجود در آن نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران تهدید به حساب نمی‌آید بلکه همواره مورد توجه جدی مسئولان نظام بوده و پیشرفت‌های ذکر شده در همین یادداشت (که تنها گوشه‌ای از خدمات نظام طی ۴۰ و چند سال گذشته بوده)، سندی محکم و متقن بر این ادعا است.

دومین نکته حائز اهمیت، قدردانی آحاد جامعه از امنیت حاصل از اقدامات نیروهای امنیتی کشور و پاسداشت عملی این زحمات است. فراموش نکنیم که در سایه همین امنیت و فرصت دانستن تنوع قومی و مذهبی در کشور

اگر بزرگی از بزرگان

قوم بلوچ نسبت به

مسأله‌ای احساس

تکلیف می‌کند و در

پی‌تظلم‌خواهی برای

مردم است، قطعاً

جمهوری اسلامی

ضمن به رسمیت

شناختن این احساس

ارزشمند از تمامی

ظرفیت خود برای

استیفای حقوق از

دست رفته تلاش

خواهد کرد کما اینکه

در ماجرای زاهدان نیز

عالی‌ترین مقامات

کشور ورود کردند.

فقط کافی است که

این بزرگان با در نظر

گرفتن جنبه انصاف

و دیدن همه جوانب

اولاً از موضع‌گیری‌های

شتاب‌زده خودداری

کنند و ثانیاً به جای

دمیدن در آتش

تفرقه، در پی تعدیل

اعتراض‌ها باشند



است که امروز ۶ هزار مسجد و ۱۴۰ مدرسه دینی اهل سنت در سیستان و بلوچستان فعال هستند و آزادانه به فعالیت می‌پردازند و گراف نیست که بگویم مسجد مکی زاهدان - به عنوان اصلی‌ترین مرکز تجمع برادران اهل سنت در شرق کشور - تمام رشد و توسعه خود را در پناه همین امنیت و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به دست آورده است.

سوم آنکه، اگر بزرگی از بزرگان قوم بلوچ نسبت به مسأله‌ای احساس تکلیف می‌کند و در پی نظلم‌خواهی برای مردم است، قطعاً جمهوری اسلامی ضمن به رسمیت شناختن این احساس ارزشمند از تمامی ظرفیت خود برای استیفای حقوق از دست رفته تلاش خواهد کرد کما اینکه در ماجرای زاهدان نیز عالی‌ترین مقامات کشور ورود کردند و کار تا عزل فرماندهی انتظامی زاهدان پیش رفت.

فقط کافی است که این بزرگان با در نظر گرفتن جنبه انصاف و دیدن همه جوانب اولاً از موضع‌گیری‌های شتاب‌زده خودداری کنند و ثانیاً به جای دمیدن در آتش تفرقه، در پی تعدیل اعتراض‌ها باشند.

چهارمین نکته مهم نیز، از این قرار است که بد نیست هر از گاهی کسانی که شعاری دهند و انتقاد می‌کنند، کمی نیز به کارنامه خود در همان عرصه نظر بیندازند! برای نمونه نظام اسلامی برای ارتقای وضعیت زنان بلوچ با اعطای حقوق اجتماعی (مانند فراهم کردن زمینه تحصیل ایشان در آموزش عالی) و حقوق سیاسی (انتصاب فرماندار و سفیر زن بلوچ) حسن نیت خود را به اثبات رسانده و حال وقت آن است که مدعیان بگویند، برای ارتقای حقوق زن بلوچ چه کرده‌اند و آیا هنوز هم می‌خواهند مانع تردد این قشر به مساجد و مراکز خود شوند یا خیر؟!

نکته آخر هم آنکه، برخی نباید فراموش کنند که وقتی در جایگاه یک مقام رسمی قرار می‌گیرند، باید به لوازم حضور خود در آن جایگاه نیز التزام داشته باشند و اگر احساس می‌کنند به زعم خود، ظلم به منتهی درجه خود رسیده است (!) می‌توانند با عبور از مزایای اجتماعی، سیاسی و مالی یک مقام رسمی، رادردی خود را به اثبات برسانند و در رویه خود بازنگری نمایند.

